

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## دو بازوی استعمار؛ همپیمانی رژیم یهود و هند علیه جهان اسلام!

(ترجمه)

وضعیت استراتژیک در سرزمین‌های اسلامی که با طراحی عمدی و زهرآلود امریکا شکل داده شده در آن، همپیمانی هندوان و رژیم یهود به‌عنوان یک ابزار اساسی به کار گرفته شده است. چنان‌که استراتژی امریکا برای شرق میانه بزرگ از سواحل مدیترانه آغاز می‌شود، از مسیر افغانستان و پاکستان عبور می‌کند تا مرزهای آسیای مرکزی امتداد می‌یابد و به گونه گسترده بر تقویت دو مرکز استعماری تکیه دارد: رژیم یهود در قلب سرزمین‌های عربی و دولت هندو در شبه‌قاره هند.

این هماهنگی استراتژیک یک اتحاد طبیعی و اتفاقی نیست که خودبه‌خود شکل گرفته باشد؛ بلکه بازتاب عملی طرح امریکاست برای حفظ تفرقه در میان امت اسلامی، تضعیف آن و نگهداشتنش در حالت وابستگی از راه اشغال مستقیم و استفاده از حاکمان وابسته. واشنگتن این دو طرف را مأمور کرده تا بر این پهنای وسیع از دریای مدیترانه تا کوه‌های هیمالیا نظارت داشته باشند. هدف کلی روشن است: محدود ساختن سرزمین‌های اسلامی، جلوگیری از شکل‌گیری هرگونه حرکت سیاسی اسلامی و فراهم‌کردن زمینه برای استفاده غرب از منابع این منطقه. در این چارچوب، رژیم یهود در شرق میانه و دولت هندو در شبه‌قاره هند تقویت شده‌اند. به این ترتیب، امریکا شرایطی را به وجود آورده که در آن فشار بر مسلمانان به صورت پی‌هم ادامه پیدا می‌کند با همکاری حاکمانی که در عمل با این روند همراهی می‌کنند.

هندوتوا و صهیونیسم دو روی یک اشغال‌اند: حزب حاکم در هند، (بهاراتیا جاناتا)، به رهبری نارندرا مودی، در عمل در چهارچوب همین استراتژی امریکا نقش بازی می‌کند. دولت هند با دقت، روش‌هایی را که رژیم یهود در فلسطین به کار برده، بررسی کرده و همان شیوه‌های خشن را برای تشدید تسلط خود بر کشمیر که اکثریت آن مسلمان است به‌کار می‌گیرد. روش‌های خشونت، تغییر ترکیب جمعیتی و توجیهات رسانه‌ای تا حد زیادی مشابه است. چنان‌که الله سبحانه و تعالی درباره حقیقت دشمنان می‌فرماید:

﴿لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا﴾ [مائده،: ۸۲]

ترجمه: مسلماً دشمن‌ترین مردم نسبت به مؤمنان، یهودیان و مشرکان را خواهی یافت.

گسترش همکاری میان دهلی نو و تل‌آویب دیگر در حد تشریفات دیپلماتیک باقی نمانده، بلکه به سطحی رسیده که می‌توان آن را هم‌گرایی عمیق در رویکردهای نظامی دانست؛ رویکردهایی که در عمل مستقیماً با واقعیت‌های میدانی در سرزمین‌های اسلامی پیوند می‌خورند. این همکاری با قراردادهای دفاعی در حدود ۸ تا ۱۰ میلیارد دلار همراه بوده و از یک رابطه تجاری ساده، به تولید مشترک و انتقال گسترده تکنالوژی ارتقا یافته است.

بر اساس گزارش‌های مؤسسه بین‌المللی پژوهش‌های صلح استکهلم، هند به یکی از مهم‌ترین شرکای نظامی برای رژیم یهود تبدیل شده است؛ به‌گونه‌ای که در سال ۲۰۲۱، حدود ۴۳ درصد از مجموع صادرات تسلیحاتی این رژیم به هند اختصاص یافته است. در مقابل، هند نیز در تولید برخی تجهیزات نظامی مشارکت دارد و در توسعه سیستم‌های پیشرفته به‌گونه مشترک کار می‌کند؛ از جمله بهره‌گیری از تکنالوژی سیستم‌های دفاع هوایی مانند «گنبد آهنین»، «پرتو آهنین» و مهمات موسوم به «کامی‌کازه».

دولت هندو در جریان جنگ غزه به یک منبع مهم برای تأمین تجهیزات نظامی رژیم یهود تبدیل شد. چ زمانی که این رژیم در جریان عملیات خود، از اواخر سال ۲۰۲۳ تا ۲۰۲۶ با مشکل در زنجیره‌های تأمین روبه‌رو شد، هند به‌گونه فعال به عنوان تأمین‌کننده جایگزین وارد عمل گردید. در این مدت، برخی کارخانه‌های هندی مواد انفجاری، راکت‌اندازها و مهمات تولید کردند که در ادامه جنگ نقش داشت. همچنین پروژه‌های مشترک، مانند همکاری میان شرکت «آدانی» و «ال‌بیت»،

در قالب شرکت صنایع پیشرفته هند، به تولید طیاره‌های بدون سرنشین مانند «هرمس ۹۰۰» و «هرون» در داخل هند انجامیده است. این طیاره‌ها همان‌هایی اند که در میدان‌های جنگ مورد استفاده قرار گرفته‌اند و اکنون نیز در مناطق کشمیر برای نظارت و کنترل وضعیت به‌کار گرفته می‌شوند.

در عرصه جنگ الکترونیکی و استخباراتی نیز، دولت هندو از ابزارهای ساخت رژیم یهود استفاده کرده است؛ از جمله نرم افزار جاسوسی «پگاسوس» نهادهای استخباراتی در هر دو طرف نیز در چهارچوب همکاری‌های مشترک، به‌گونه دوامدار اطلاعات را با یکدیگر شریک می‌سازند؛ همکاری‌هایی که معمولاً زیر عنوان «مبارزه با تروریسم» انجام می‌شود. نمونه رفتار رژیم یهود به‌گونه فعال در کشمیر اشغالی تطبیق می‌شود: این شراکت، به‌طور مستقیم در چگونگی کنترل کشمیر بازتاب یافته است. پس از لغو ناگهانی وضعیت خاص و خودمختاری اسمی کشمیر در آگست ۲۰۱۹، مقام‌های دیپلماتیک هند به‌صراحت از تمایل‌شان برای الگوگیری از شیوه‌های این رژیم سخن گفتند.

ویران‌سازی گسترده خانه‌های مسلمانان، تغییر حساب‌شده ترکیب جمعیتی، اعطای اسناد اقامت به غیرساکنان، حضور سنگین نظامی و عملیات‌های امنیتی همه نشان‌دهنده شباهت‌هایی با روش‌هایی است که در کرانه باختری و غزه دیده شده است. این روند در نتیجه همکاری‌های آموزشی و تبادل تکنالوژی‌های نظارتی پیشرفته میان دو طرف تقویت شده است. پیامدهای این همکاری تنها به فلسطین و کشمیر محدود نمی‌ماند، بلکه در گستره‌ای وسیع‌تر از شرق میانه تا شبه‌قاره هند در جهت مهار و کنترل تحولات سیاسی و اجتماعی اثرگذار بوده است.

امریکا تلاش دارد دولت هندو را در این منطقه به‌عنوان یک ناظر و مجری نقش امپراتوری مطرح کند؛ از طریق چهارچوب‌هایی مانند ائتلاف چهارجانبه (هند، رژیم یهود، امارات، امریکا) و همچنان دهلیز اقتصادی پیشنهادی هند، شرق میانه، اروپا. این‌ها شبکه‌هایی استراتژیک اند که برای دورزدن اراده سیاسی امت اسلامی طراحی شده‌اند. با پیوند دادن اقتصادهای نظام‌های خلیج با مرکز تکنالوژیک رژیم یهود و پایگاه صنعتی هند، امریکا در پی آن است که یک زنجیره وابستگی محکم ایجاد کند. در کنار آن، ایالات متحده تمرکز ویژه‌ای بر هند دارد تا آن را به‌عنوان یک قدرت بحری در دریای عرب مطرح سازد؛ هدف از این کار ایجاد نقاط فشار بر مسیرهای انرژی و نگهداشتن کشورهای اسلامی اطراف در حالت وابستگی دایمی و ضعف اراده سیاسی است.

بخش خطرناک‌تر این استراتژی دوطرفه، طرحی است که در برابر پاکستان دنبال می‌شود؛ سرزمین اسلامی که تنها قدرت دارای سلاح هسته‌ای در منطقه است و می‌تواند توازن‌های منطقه‌ای و حتا جهانی را تغییر دهد. در این چهارچوب، نهادهای استخباراتی هند و رژیم یهود در جهت مشغول‌ساختن و تضعیف پاکستان با یکدیگر همکاری می‌کنند. با فعالیت‌های دیپلماتیک گسترده و افزایش حضور استخباراتی در افغانستان پس از سال ۲۰۲۱، هند توانسته است خط دیورند را به یک نقطه تنش‌زا تبدیل کند. تشدید درگیری‌ها و پویایی تنش در مرزهای غربی پاکستان، بخشی از یک روند هدفمند دانسته می‌شود. هدف این روند، وارد ساختن فشار دوامدار بر ارتش پاکستان، ایجاد فرسایش داخلی و نگهداشتن توجه آن به جبهه غربی است. در نتیجه، با مشغول‌ماندن پاکستان در این جبهه، هند می‌تواند تمرکز خود را بر بخش‌های دیگر از جمله کشمیر حفظ کند و همکاری‌هایش را در حوزه‌های مختلف بدون نگرانی از واکنش نظامی گسترش دهد.

هماهنگی سیاسی و فعالیت‌های لابی در پایتخت‌های غربی نیز به‌همان اندازه آشکار است؛ گروه‌های لابی هندی به‌گونه فعال با سازمان‌های صهیونیستی مانند آبیگ همکاری می‌کنند تا سیاست‌هایی را شکل دهند که در سطح جهانی به زیان امت اسلامی تمام می‌شود. با این‌همه، مسلمانان می‌دانند که طرح‌ها و دسیسه‌های استعمارگران در برابر اراده امت متحد به شکست خواهد انجامید. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

**﴿وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ (۴) بَنَصِرَ اللَّهُ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾ [روم: ۴-۵]**

**ترجمه:** و در آن روز، مؤمنان شادمان می‌گردند؛ به سبب یاری الله. الله هر که را بخواهد یاری می‌دهد، و او شکست ناپذیر مهربان است.

ای افسران ارتش‌های مسلمان! بنگرید که دشمنان الله سبحانه و تعالی چگونه نیروهای خود را گرد می‌آورند، تکنالوژی‌های مرگبارشان را با یکدیگر شریک می‌سازند و نقشه‌های سلطه را بر سرزمین‌های شما ترسیم می‌کنند؛ در حالی‌که حاکمان شما مسیرهای کمک‌رسانی آنان را هموار می‌کنند و پیمان‌های عادی‌سازی را امضا می‌نمایند. در چنین وضعی، رژیم یهود و دولت هندو نیرو می‌گیرند، تنها از آن‌رو که ارتش‌های امت در مرزهای ساختگی محدود شده‌اند و به‌جای حرکت برای یاری مظلومان، به پاسداری از تخت‌های حاکمان بسنده کرده‌اند. با این‌همه، رویدادهایی که امروز در برابر دیدگان ما در حال آشکار شدن است، می‌تواند فرصتی باشد؛ دری باز برای اهل قدرت و نصرتِ صادق تا مسیرهای وابستگی را قطع کنند، پیوندهای زیان‌بار را از هم بگسلند و نیروها را به‌سوی مسئولیت‌های بزرگ‌تر جهت دهند. در چنین مسیری، بازگشت به یک چهارچوب روشن و استوار بر بنیاد ایمان، عدالت و استقلال می‌تواند زمینه‌ساز احیای عزت امت و دفاع از سرزمین‌های آن، از قدس تا سرپنجر، گردد.

**محمد یونس - ال‌هند**

**مترجم: پارسا امیدی**